

باسمه تعالی

- مقدمه: تفاوت «انشاء طلب» و «طلب انشائی»..... ۱
- اطلاق در مقام اثبات و ثبوت..... ۱
- امکان تقیید در خطاب تشریح..... ۲
- مقدمات حکمت در اطلاق اثباتی و ثبوتی..... ۳

موضوع: اطلاق و تقیید/مقدمات حکمت /اطلاق و تقیید اثباتی و ثبوتی

خلاصه مباحث گذشته:

در جلسات قبل تنبیهاات ذیل بحث مقدمات حکمت شروع شده است. در تنبیه اول چند نکته ذکر شد که نکته سوم همان اطلاق و تقیید در مقام اثبات و ثبوت بود. نظر مشهور در مورد مقام اثبات و ثبوت نقل شده و مورد نقد واقع شد. در این جلسه نظر مختار بیان می شود.

مقدمه: تفاوت «انشاء طلب» و «طلب انشائی»

برای توضیح مبنای مختار نیاز است چهار اصطلاح معرفی شود: اصطلاح اول «انشاء» است که در حقیقت آن دو نظر وجود دارد: اول «ایجاد المعنی باللفظ»، و دوم «الاعتبار والابراز». به نظر می رسد مبنای مشهور یعنی نظر اول صحیح است. یعنی یک معنی در عالم خارج، توسط تلفظ ایجاد می شود؛ اصطلاح دوم «انشاء الطلب» است، که به معنی ایجاد یک طلب توسط لفظ می باشد؛ اصطلاح سوم «طلب» است که همان «السعی نحو المقصود» می باشد. اصطلاح سوم «طلب انشائی» است که همان «الانشاء الذی یکون مصداقاً للطلب» می باشد. تفاوت بین «انشاء طلب» و «طلب انشائی» در این است که انشاء طلب اعم از طلب انشائی است. توضیح اینکه اگر به دیوار گفته شود «صل»، یک انشاء محقق شده است همانطور که اگر به زید گفته شود «صل» یک انشاء محقق می شود. البته در مورد دیوار این انشاء، مصداقی برای طلب نیست؛ زیرا طلب سعی نحو مقصود است در حالیکه یقین وجود دارد که دیوار نمی تواند نماز بخواند. اما این انشاء نسبت به زید، مصداق طلب هم هست؛ زیرا مقصود مولی همان بعث زید به سمت نماز است (اگر طلب دارای قید باشد حین انشاء، انشاء طلب هست؛ اما بعد تحقق قید متصف به طلب انشائی می شود).

اطلاق در مقام اثبات و ثبوت

با توجه به توضیح این اصطلاحات، به توضیح مبنای مختار خواهیم پرداخت. گفته شده اطلاق اثباتی همان اطلاق در مقام انشاء طلب است. اطلاق در مقام انشاء دائر مدار این است که قرینه ذکر بشود یا نشود. اگر در مقام انشاء گفته شود «اکرم الفقیر»، قیدی برای فقیر ذکر نشده است، لذا مطلق است (این انشاء ممکن است در خطاب تبلیغ یا تشریح باشد، زیرا در هر صورت ممکن است قید ذکر شود یا نشود). اما اطلاق ثبوتی همان اطلاق در مقام طلب انشائی است. اطلاق در طلب انشائی تنها دائر مدار ابراز نیست، بلکه یکی از مقومات آن قصد است. اگر در مقام طلب گفته شود «اکرم الفقیر»، اما فقیر عادل قصد شود، در این صورت آن طلب انشائی به فقیر عادل تعلق گرفته است؛ زیرا طلب انشائی دو مقوم دارد: ابراز؛ و قصد؛ بنابراین مطلوب به طلب انشائی همان «اکرام فقیر عادل» است. به عنوان مثال هم برای بستن درب، و هم برای خاموش کردن بخاری، هر دو نیاز به راه رفتن تا انتهای اتاق وجود دارد. در این موارد، راه رفتن ممکن است مصداقی برای طلب سدّ باب، و یا برای طلب خاموش کردن باشد، که این تابع قصد شخص است. مثال دیگر اینکه کسی نه برای علم آموزی، بلکه برای خنک شدن در کلاس درس (که بسیار خنک است) حاضر شود، چنین شخصی طالب علم نیست؛ زیرا قصد طلب علم ندارد. در مثال «صل» هم ممکن است مطلوب انشائی همان «نماز با وضو» باشد، اما هنگام انشاء فقط نماز ذکر شده است.

پس مراد از اطلاق در مقام انشاء و اطلاق در مقام طلب معلوم شد. از مقام اثبات کشف از مقام ثبوت می‌شود، که این کشف ممکن است صحیح یا غلط باشد. اگر متکلم بعداً بگوید مراد من چیز دیگری بوده است، در این صورت کشف خلاف می‌شود. به عنوان مثال اگر مولی بگوید «اکرم الفقیر»، و در مجلس دیگری بگوید «لا تکرّم الفقیر الفاسق»، خطاب اول تا حین ورود خطاب دوم، حجّت است؛ اما با ورود خطاب دوم، خطاب اول هم نزد عقلاء از حجّت ساقط می‌شود، هر چند ظهور آن همچنان باقی است. ظهور خطاب اول دلالت دارد مطلوب مولی همان طبیعی است. خطاب دوم دلالت دارد مطلوب به طلب انشائی همان حصّه است. در سیره عقلاء به ظهور دوم اخذ شده و ظهور اول از حین ورود خطاب دوم، حجّت نخواهد بود. این مثال تفاوت دارد با اینکه شخص ثقه بگوید «این آب نجس است»، و شخص غیر ثقه بگوید «این آب طاهر است»؛ زیرا در این موارد دو خیر است که تنها یکی از آنها یعنی خیر ثقه حجّت است، و در این موارد معارضه نیست. اما مثال قبل دو ظهور وجود دارد که معارضه دارند. به سبب اینکه طلب انشائی دو مقوم دارد (یعنی ابراز و قصد)، لذا در تعارض این دو، ظهور اول از حجّت ساقط است؛ زیرا در رویه عقلاء اینگونه است که ابتدا مطلق صحبت کنند، و سپس قید را ذکر می‌کنند.

امکان تقیید در خطاب تشریح

قبل از این در نظر ما، تقیید و تخصیص در خطاب تشریح محال بود. بنابراین آنچه ظاهرش تقیید است، در حقیقت نسخ خواهد بود؛ زیرا حکم را دائر مدار انشاء می‌دانستیم که وقتی قیدی در مقام انشاء نباشد پس حکم مطلق جعل شده است. لذا اگر قید آید و حصّه‌ای فاقد طلب شود، نسخ خواهد بود.

اما با توجه به این تبیین در مورد مقام اثبات و ثبوت به نظر می‌رسد که تقیید در خطاب تشریح هم ممکن است؛ زیرا در خطاب تشریح «صلّ» گفته شده است، که از مقام اثبات (یعنی انشاء) کشف می‌شود مطلق است. بعد از ورود قید «فلتکن الصلاة مع الوضوء»، کشف می‌شود طلب انشائی به حصّه‌ای از نماز تعلق گرفته است. این ظهور که حجّت است موجب می‌شود ظهور قبل از حجّیت ساقط شود.

مقدمات حکمت در اطلاق اثباتی و ثبوتی

با توجه به توضیحات فوق، مقام ثبوت همان مرحله طلب انشائی، و مقام اثبات همان مرحله انشاء است. در مورد اطلاق اثباتی کافی است که مقدمه دوم از مقدمات حکمت تمام باشد. یعنی همین که قیدی در انشاء ذکر نشود، کافی است که عنوان مذکور در آن مطلق باشد. اما در مورد اطلاق ثبوتی باید اطلاق اثباتی به مقدمه اول از مقدمات حکمت ضمیمه شود، تا اطلاق محقق شود. یعنی باید برای اینکه اطلاق اثباتی کشف از اطلاق ثبوتی نماید، متکلم در مقام بیان هم باشد. به عنوان مثال اگر مولایی بگوید «اکرم جیرانی»، همین که قید ذکر نکرده است، اطلاق اثباتی عنوان جیران محقق است. اما باید در مقام بیان بودن نیز احراز شود تا کشف شود طلب انشائی وی نیز مطلق است، و مطلوب وی در حقیقت همان طبیعی است. به هر حال آنچه به عهده عبد آمده و مسئولیتی به گردن عبد قرار می‌دهد، همان اطلاق ثبوتی است. اطلاق اثباتی فقط نقش کاشف از اطلاق ثبوتی را دارد.